

# خبرنامه هفتگی

## مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و یکم - ۲۸ فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی  
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

۴۱





# بنام خداوند جان و آفریننده



## خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و یکم - ۲۸ فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۱

مرکز توانمندی سازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

۴ اردیبهشت ۱۴۰۰





## فهرست مطالب

- درآمد: شفافیت برای دیگران، پنهان کاری برای خود ..... ۲
- ضرورت پیش‌بینی مدیریت تعارض منافع در لایحه مشارکت عمومی-خصوصی ..... ۶
- تعارض منافع و انحصار، سد اشتغال ..... ۶
- مسیری برای حل تعارض منافع در کارگزاری‌های بورس ..... ۷
- تعارض منافع در بازخوانی طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده ..... ۷
- تعارض منافع و طبقاتی شدن مدارس ..... ۸
- مصادیق تعارض منافع در بورس ..... ۹
- تضاد منافع مانع مقررات‌زدایی و حل مشکل مجوزهاست ..... ۹
- نقش تعارض منافع در تضعیف نظام مالیاتی کشور ..... ۱۰
- دو خصیصه مسئله تعارض منافع ..... ۱۱
- مقابله با تعارض منافع در نظام سلامت خط قرمز دولت سیزدهم باشد ..... ۱۱
- فرستاده ویژه نخست وزیر انگلیس در امور خلیج فارس استعفا داد ..... ۱۱
- محتواهای چندرسانه‌ای تعارض منافع ..... ۱۲
- تحلیل فضای مجازی: غوغای تعارض منافع در نظام سلامت و بهداشت ..... ۱۳

## درآمد: شفافیت برای دیگران، پنهان‌کاری برای خود

کمال رضوی

نمایش دادن و تقلید ناهمسان برای کسب مشروعیت، معضل نظام حکمرانی و فضای نخبگانی بسیاری از کشورهای است که با مسئله‌ی توانمندی و ظرفیت اجرایی پایین مواجه هستند. افراد و نهادهای مختلف درون و بیرون نظام حکمرانی، ترجیح می‌دهند به جای حل واقعی مسائل و مشکلات، با اقداماتی نظیر ایجاد نهاد و سازمان جدید، سندنویسی، طراحی سامانه، پژوهش‌سازی و دیگر اقدامات پرطمطراق و فریبنده، کسری مشروعیت ناشی از ناکارآمدی و فقدان ظرفیت اجرایی را جبران کنند. خاستگاه این معضل، درون نظام حکمرانی و سیستم اداری کشورهاست، اما به سرعت به مثابه شیوه‌ای کم‌زحمت و پربازده به درون بخش‌های مختلف جامعه نیز تسری می‌یابد.

از زمانی که مسئله‌ی مبارزه با فساد در آموزه‌های نهادهای بین‌المللی به عنوان راهکاری برای تقویت کارآمدی مطرح شد، در ایران نیز شاهد شکل گرفتن بیش از ده نهاد و ستاد و کمیسیون و ... برای مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری بوده‌ایم. اما قریب به ۳۰ سال پس از شکل‌گیری و تکوین این نهادها، اغلب رتبه‌ی ایران در امر مبارزه با فساد تنزل یافته است و شاهد شکل‌گیری فسادهای بزرگتر و سازمان‌یافته‌تر بوده‌ایم. آیا این همان چیزی است که نویسندگان کتاب «توانمندسازی حکومت» از آن با عنوان «دام قابلیت» و «وضعیت در گل ماندگی» یاد کرده‌اند؟ وضعیتی که هر چه یک نظام اداری و حکمرانی بیشتر برای خروج از آن تلاش می‌کند، بیشتر درون آن فرو رفته و زمین‌گیر می‌شود.

از ابتدای تسری مسئله‌ی تعارض منافع از درون محافل نخبگان به فضای عمومی کشور و شکل‌گیری اجماع لفظی و ظاهری در مورد لزوم مبارزه با تعارض منافع در نظام حکمرانی، این خطر به طور جدی احساس می‌شد که مسئله‌ی مدیریت تعارض منافع نیز مانند شفافیت و مقابله با فساد، به مسئله‌ای تبلیغات و میان‌تهی بدل شود که نهادهای مختلف برای نمایش مسئله‌فهمی و کارآمدی به شکل لفظی به ترویج و تکرار آن روی آورده و از اقدامات مسئله‌محور و واقعی (که سخت، زمان‌بر و هزینه‌بردار است) پرهیز کنند. به تعبیر رایج، مسئله‌ی تعارض منافع نیز «لقلقه‌ی زبان» و ابزاری برای سیاسی‌کاری شود. هنوز زود است که بتوان گفت مدیریت تعارض منافع نیز مانند مبارزه با فساد مشمول همین روند شده است، اما قراین و شواهد به شکل روزافزونی این نگرانی را تقویت می‌کند که همین روند در حال تکوین است.

نمونه‌ی بارز و متاخر این مسئله، طراحی و تصویب قانون مدیریت تعارض منافع در نظام حکمرانی است. چنانکه می‌دانیم از سال ۱۳۹۵ در معاونت حقوقی ریاست جمهوری تیم متشکل و مطلع حقوقی برای تدوین لایحه مدیریت تعارض منافع شکل گرفت و پس از دو سال کار، لایحه‌ای نظام‌یافته و وزین به لحاظ حقوقی برای نظرخواهی عمومی منتشر شد. این لایحه مطابق گفته‌ی طراحان، حاصل صدها ساعت کار کارشناسی و هم‌اندیشی با ذینفعان مختلف بود؛ خروجی کار نیز بر همین امر صحه می‌گذارد که لایحه از دالان مباحث کارشناسی زیادی عبور کرده است؛ هر چند مانند هر لایحه و طرح قانونی دیگر نقاط ضعف خود را هم داشته است. این لایحه قریب به دو سال نیز در معرض نقد و

بررسی عمومی بود که این کار با محوریت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری صورت گرفته و در نهایت به تدوین متن نهایی لایحه و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی در آذر ۱۳۹۸ منجر شد.

اما درست در فرایند تدوین لایحه، به مصداق بسیاری از موازی‌کاری‌هایی که نشانه‌ی نابالغی یک جامعه و سیستم حکمرانی است، گروه دیگری که در تدوین قانون مدیریت تعارض منافع دچار تعارض منافع بودند، به تدوین یک طرح موازی و ارائه آن در مجلس روی آوردند؛ به طوری که چند ماه مانده به جمع‌بندی نظرات کارشناسی حاصل از نظرخواهی عمومی توسط دولت و تقدیم متن نهایی لایحه، به یک باره «طرح مدیریت تعارض منافع» در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد؛ طرحی که هر حقوقدان و کارشناس مطلع در حوزه‌ی تعارض منافع آن را مرور کند، اذعان می‌کند که طرحی ناپخته، پر از ایراد شکلی و محتوایی و فاقد ساختار و سازماندهی یک طرح قانونی وزین، حساب شده و حاصل کار کارشناسی حقوقی است؛ چنانکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز نتوانست بر ایرادهای اساسی این طرح چشم بسته و در اظهارنظر کارشناسی خود، بر لزوم مبنا قرار دادن لایحه و ادغام طرح در آن تأکید کرد.

برای ناظری چون نگارنده که مسئله را از بیرون دنبال می‌کند تردیدی ایجاد نمی‌شود که قانون مدیریت تعارض منافع در این کشور خود مشمول تعارض منافع آن هم در شکل حاد و چندگانه‌ی خود شده است: طراحان طرح مدیریت تعارض منافع، مسئولیت اصلی مدیریت تعارض منافع را از دولت گرفته و به قوه‌ی قضاییه (سازمان بازرسی کل کشور) و نهادهای امنیتی سپرده‌اند؛ جهت‌گیری‌ای که در روند تصویب طرح در کمیسیون اجتماعی مجلس نیز تشدید شده و به جرم‌انگاری‌های نامتعارف و غیرکارشناسی در برخورد با یک مسئله ناهنجار اجتماعی و اداری بدل شد. توضیح آنکه، هنوز در جامعه‌ی ایران، بسیاری از موقعیت‌های تعارض منافع نظیر اشتغال بیرونی یا درب‌های گردان، از سوی جامعه به عنوان امری ناهنجار شناسایی و تصدیق نشده است. تا زمانی که در یک جامعه، کژانگاری و قبح‌انگاری یک مسئله رخ نداده باشد، ارتقا دادن موضوع از سطح اجتماعی به سطح قضایی و جرم‌انگارانه، یک اقدام سطحی و به مثابه بی‌خاصیت کردن مقابله با مسئله است. نخست درون وجدان جمعی جامعه باید پذیرفته شود که بروز تعارض منافع در موقعیت‌هایی نظیر اشتغال بیرونی یا ارتباطات پسا‌شغلی و خویشاوندی و سهامداری و ... اموری قبیح، ناعادلانه و اجحاف‌آمیز است و سپس بخش محدودی از این دایره‌ی کژانگاری که توسط جامعه صورت گرفت، به مثابه تخطی حاد از هنجارها، مشمول جرم‌انگاری و برخورد کیفی شود. اما این ملاحظات، علی‌رغم تذکرات پیاپی، در تدوین و تصویب طرح مذکور ابداً دیده نشد. از دید ناظر دور نمی‌ماند که در اینجا نزاع بر سر هژمونی و اقتدار سازمانی قوه‌ی قضاییه و مجلس یا دولت است. احتمالاً کسانی که در روند تدوین طرح نقش داشته‌اند، تحت تأثیر سیاسی‌بازی‌های رایج در فضای ایران با خود چنین فرض کرده‌اند که قوه‌ی قضاییه به مثابه یک قوه‌ی انتصابی و مجلس به مثابه نهادی که انتخابات آن تا اطلاع ثانوی مهندسی خواهد شد، همواره از تیررس تغییر و تحولات بنیادی به دور بوده و اگر مسئولیت اجرای چنین قانونی به قوه‌ی قضاییه سپرده شود، نگرانی‌ای از باب تغییر و تحول در فضای سیاسی و رفت‌وآمد دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب و اعتدالی نخواهد بود. حال آنکه در لایحه‌ی مدیریت تعارض منافع، بر اساس نگاه حرفه‌ای و کژانگارانه به مقوله‌ی تعارض منافع (به جای نگاه امنیتی و جرم‌انگارانه) بر لزوم تشکیل هیئت‌های

مدیریت تعارض منافع در بدنه‌ی دولت برای مدیریت مسئله تاکید شده بود؛ درست مشابه کمیته‌های مقابله با تخلف اداری که بر اساس ضوابط درون‌سازمانی به شناسایی و برخورد با مصادیق تخلف روی آورده و در صورت لزوم، پرونده‌های تخلف را به سیستم قضایی ارجاع می‌دهند.

این کلان‌ترین وجه تعارض منافع در روند تصویب قانون تعارض منافع است؛ اما چه می‌شود اگر دریابیم مجموعه‌ای که خود اقدام به طراحی طرح مدیریت تعارض منافع و ارائه‌ی آن به تعدادی از نمایندگان مجلس کرده و از طریق روابط و لابی‌های سیاسی طرح را در دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس فعلی قرار داده است، خود از ماه‌ها قبل، پروژه‌ای از قوه‌ی قضایی برای طراحی سامانه‌ای که در طرح مذکور برای احصای مصادیق تعارض منافع پیش‌بینی شده هم گرفته است! تعارض منفعی آشکار و غیرقابل چشم‌پوشی که تمامی شعارهای مربوط به شفافیت و مقابله با تعارض منافع را دود کرده و به آسمان می‌فرستد.

همین تعارض منافع است که اجازه نمی‌دهد بیش از ۳ ماه و نیم از تصویب طرح مذکور در کمیسیون اجتماعی مجلس، طرح تصویب‌شده در فضای عمومی منتشر شده و مورد نقادی و ارزیابی کارشناسان قرار گیرد. از ۲۱ دی ۱۳۹۹ که پایان بررسی طرح مدیریت تعارض منافع در کمیسیون اجتماعی توسط رئیس و سخنگوی این کمیسیون مطرح شد، تا امروز بیش از ۳ ماه و نیم می‌گذرد، اما همچنان از انتشار عمومی این طرح طفره رفته‌اند و این یعنی از دست رفتن فرصت چند ماهه برای نقادی کارشناسانه یک قانون مهم و کلیدی در این کشور.

عوارض تصویب یک قانون ضعیف و ناپخته برای مدیریت تعارض منافع مستقیم متوجه نظام حکمرانی است و اگر عقلانیتی درون سیستم تقنینی، قضایی و اجرایی کشور باشد، اجازه نمی‌دهد که مقابله با تعارض منافع هم به همان سرنوشتی دچار شود که مقابله با فساد دچار آن شد: تصویب یک قانون ضعیف که بسیاری از ابعاد مسئله را ندیده است و به جای پیش‌بینی ضمانت‌ها و سازوکارهای اجرای «واقعی»، با نشان دادن داغ و درفش و جرم‌انگاری‌های چندلایه درصدد مقابله با یک مسئله‌ی اجتماعی است.

اصرار بر عدم انتشار این طرح، علاوه بر آنکه معرف درگیری تعارض منافع برای لابی‌کنندگان طرح است، مصداقی از همان ضرب‌المثل قدیمی نیز هست که «مرگ خوب است اما برای همسایه»، به همین سیاق باید گفت که گویی ترجمان شفافیت مورد نظر برای برخی جریان‌ها، «شفافیت برای دیگران، پنهان‌کاری برای خود» است که اگر این چنین نبود ارائه‌ی گزارشی شفاف، روشن و دقیق از روند طراحی طرح مدیریت تعارض منافع، پیش‌بینی سامانه‌ای در سازمان بازرسی کل کشور برای احصای مصادیق در این طرح و سپس گرفتن پروژه‌ی طراحی سامانه‌ی مذکور و لابی‌گری‌ها و پنهان‌کاری در روند تصویب شتابزده طرح در مجلس با مسکوت گذاشتن لایحه دولت توسط جریان مذکور ضروری می‌نمود. در این صورت شاید می‌شد از کنار داعیه‌ی شفافیت، با لبخندی تلخ عبور نکرده و هم‌افزایی و همکاری برای مقابله با یک معضل اساسی کشور را جدا از نگاه‌های سیاست‌زده و غیرکارشناسی جدی گرفت.


همه‌ی این موانع و دست‌اندازها در مقابله با مسئله‌ی تعارض منافع که در تاروپود نظام اداری و اجتماعی کشور تنیده است، ما را از پوییش و پشتکار برای پیگیری مسئله بر بستری کارشناسی و پرهیز از دعوای حیدری - نعمتی در این زمینه باز نمی‌دارد. باید همان‌طور که پیشتر نیز یکی از همکاران مرکز توانمندسازی در این ستون نوشت، «مدیریت





تعارض منافع» را از «تعارض منافع» نجات داد و به جای سیاسی بازی و عدم شفافیت در مواجهه با مسائل نظام اداری، به فکر حل مسئله محور، تدریجی و گام به گام مسائل در بستری تعارض آمیز و مسیری پرسنگلاخ بود و بدون سرخوردگی، ناامیدی و چرخش به سمت مرحله سوزی یا در جازدن، برای حل این مسئله بی وقفه کوشش کرد.


\*\*\*


گزیده اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های هفته گذشته در حوزه تعارض منافع به این شرح است:

 مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، گزارشی با عنوان «بررسی مفهوم و مصادیق تضاد منافع در بازار سرمایه و پیشنهاد مقررات لازم» منتشر کرده و در این گزارش پیشنهادهایی برای مقابله با تعارض منافع در بورس و کارگزاری‌های آن ارائه کرده است.

 جمعیت مردم نهاد هم‌اندیشان دادخواه طی بیانیه‌ای به نقد و بررسی لایحه مشارکت عمومی و خصوصی پرداخته و ضرورت پیش‌بینی سازوکارها و ضوابط مدیریت تعارض منافع در این لایحه را گوشزد کرده است.

 علی فیروزی، مدیر مرکز ملی بهبود و پایش محیط کسب و کار، در میزگرد تاکید کرده که یکی از موانع اصلی حذف مجوزها، تضاد منافع دستگاه‌هاست که سبب می‌شود دستگاه مربوطه بگوید حذف این مجوز ممکن است امنیت کشور را مختل کند، حذف آن یکی مجوز ممکن است سلامت کشور را به خطر بیاندازد و ...

 روزنامه آفتاب یزد در میزگردی با حضور کارشناسان مالیاتی به تضاد منافع در سازمان مالیاتی پرداخته و مصادیقی نظیر همپوشانی رسیدگی به اختلافات و دعاوی مالیاتی و مالیات‌ستانی و همچنین تجمیع سیاستگذاری و اجرا در سازمان مالیاتی و وزارت اقتصاد را مصادیق بارزی از تعارض منافع در این سازمان معرفی کرده است.

 فرستاده ویژه نخست وزیر انگلیس در امور خلیج فارس پس از بالاگرفتن جنجال بر سر نقش لابی‌گری او برای شرکت‌های خصوصی در دولت، از مقام خود کناره‌گیری کرد. این مقام عالی‌رتبه انگلیس به تعارض منافع متهم است.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی - ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰



## ضرورت پیش‌بینی مدیریت تعارض منافع در لایحه مشارکت عمومی-خصوصی

جمعیت هم‌اندیشان دادخواه - ۳۰ فروردین ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در نظام برنامه و بودجه

لایحه مشارکت عمومی-خصوصی که در سال ۱۳۹۷ به مجلس شورای اسلامی ایران ارائه شده و اکنون در دست بررسی است در پاره‌ای از کلیات و جزئیات اشکالات بارزی دارد که اصلاح نشدنش می‌تواند زمینه‌ساز فسادهای بزرگ و ناکارآمدی استفاده از این الگو در کشور شود. مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) برای توسعه قدرت زیرساختی کشور در حوزه‌هایی که از یک سو بخش خصوصی داخلی و خارجی به خاطر دیربازده بودن علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری ندارد و ریسک تجاری بالاست و از سوی دیگر دولت منابع کافی ندارد، با کاهش ریسک و ضمانت سود و پاره‌ای از امتیازات و حق بهره‌برداری (عموماً با حفظ مالکیت دولتی) الگوهای کامیابی برای جلب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در جهان داشته است. کارشناسان این جمعیت برای اصلاح و ارتقای این لایحه و پیشگیری از فسادزا شدن آن موارد زیر را مورد توجه قرار داده‌اند:

باید سازوکاری برای مدیریت موثر تعارض منافع در اجرای این الگو طراحی و در لایحه گنجانده شود. مدیریت تعارض منافع مهم‌ترین پیش‌نیاز اجرای سالم‌تر قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی است و توجه نکردن به این پیش‌نیاز می‌تواند تجربه پراسیب خصوصی‌سازی در سه‌دهه گذشته را در ابعادی بزرگ‌تر تکرار کند. بدون این سازوکارهای شفاف مدیریت تعارض منافع دستگاه‌های اجرایی با بهره‌گیری از رانت اطلاعاتی می‌توانند پروژه‌ها را به سمت پیمانکاران خاص خصوصی ببرند که خود یا خویشاوندان و نزدیکانشان در آن مشغولند و تسهیلاتی برای انعقاد قرارداد با کارمندان و مدیران دستگاه‌های اجرایی که در سال‌های پایانی اشتغال دولتی‌شان هستند قائل شوند. در انعقاد این قراردادها نباید قانون برگزاری مناقصات و موادی از قانون محاسبات کشوری کنار گذاشته شود (و در صورت نیاز باید قانون مناقصات پیش از تصویب این لایحه اصلاح شود). لازم است ساختاری برای مدیریت کارآمدتر و مسئولیت‌پذیری بیشتر در قاعده‌گذاری، اجرا و نظارت بر این قراردادها پیش‌بینی شود.

دیدارنیوز

## تعارض منافع و انحصار، سد اشتغال

سیدامیرحسین موسوی (روزنامه‌نگار) - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی کسب و کارها و بازرگانی



برخی مجوزهای کسب و کار توسط صنف مربوط به هر کسب و کار ارائه می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی بخواهد وارد شغل مربوط به طلا، لوازم خانگی، نانوايي، آشپزخانه و... شود، حتماً باید از صنف مربوط به خود مجوز بگیرد. در چنین حالتی به دلیل وجود تعارض منافع، صدور مجوز دشوار می‌شود؛ چرا که افرادی که در صنف مرتبط اشتغال دارند، تمایلی ندارند رقیب جدیدی وارد بازار کار آنها شود. مقابله با انحصار را نمی‌توان به عنوان مساله‌ای ساده نگاه کرد. تعارض منافع سیاستمداران، اصرار ذی‌نفعان انحصار برای حفظ موقعیت پرسود خود و فهم غلط سیاست‌گذاران، می‌تواند مقابله با انحصار را به مسیری پرفراز و نشیب تبدیل کند.

روزنامه وطن امروز



## مسیری برای حل تعارض منافع در کارگزاری‌های بورس

مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار - ۳۰ فروردین ۱۴۰۰  
◀ تعارض منافع در بازار سرمایه

در گزارش مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، با عنوان «بررسی مفهوم و مصادیق تضاد منافع در بازار سرمایه و پیشنهاد مقررات لازم» موارد پیشنهادی برای رفع تضاد منافع در کارگزاری‌ها، موارد زیر بیان شده:

۱. اعضای هیات مدیره و مدیران کارگزاری موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند تا از بروز هرگونه تضاد منافع شرکت با مشتری و یا مشتری با مشتری دیگر، اجتناب به عمل آید.
۲. شرکت کارگزاری موظف است منشور اخلاقی درون شرکتی برای کارکنان به منظور جلوگیری از بروز تضاد منافع تدوین نماید و این موضوع را در قرارداد با هر یک از کارکنان منظور نماید.
۳. هر یک از مدیران و کارکنان کارگزاری ملزم به امضای کد اخلاقی و تعهد نسبت به مفاد آن هستند.
۴. شرکت موظف است هرگونه اطلاعات دریافتی از سوی مشتریان به خصوص اطلاعات معاملاتی را محرمانه تلقی نموده و ترتیبی اتخاذ نماید تا از درز اطلاعات مشتریان به سایر بخشهای کارگزاری (غیر از بخش معاملات) و یا به بیرون از کارگزاری، اجتناب شود.
۵. شرکت کارگزاری ملزم است فرایندی برای دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده و شناسایی کارکنان کلیدی که به این اطلاعات دسترسی دارند تعیین نماید.

📖 اقتصاد آنلاین

## تعارض منافع در بازخوانی طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده

محمد جواد محمودی (رئیس کمیته مطالعات و پایش سیاست‌های جمعیتی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی) - ۱ اردیبهشت ۱۴۰۰  
◀ تعارض منافع در حوزه سلامت



در طول بحثهای کمیسیون مشترک مجلس برای تصویب طرح "جوانی جمعیت و حمایت از خانواده"، هیچ‌گاه صحبت از حذف یا ممنوعیت غربالگری در دستور نبوده است. نکته مهم، لزوم عدم دخالت افراد و موسسات دارای "تعارض منافع" در امور سیاستگذاری است که مع الاسف اکنون جریان‌هایی خلاف این اصل، مشغول فعالیت گسترده هستند. حقیقت این است که حذف یا ممنوعیت غربالگری قرائتی غیر واقع است که عمدتاً از سوی گروه‌های صنفی و دارای تعارض منافع مطرح شد و چون هنوز متن اصلی قانون رسانه‌ای نشده بود محل موج‌سواری این افراد قرار گرفت.

📖 خبرگزاری ایسنا

## تعارض منافع و طبقاتی شدن مدارس

طیبه موسوی (پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش) - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰  
 ◀ تعارض منافع در حوزه آموزش عمومی



نیمه‌ی اول دهه‌ی هفتاد بود که درخواست تأسیس مدارس غیرانتفاعی داده شد. ابتدا گفتند هر معلمی که ۳۰ سال سابقه داشته باشد می‌تواند مجوز تأسیس مدرسه انتفاعی بگیرد، وامی هم از طرف دولت به این شخص تعلق می‌گیرد. اما مشاهده شد که اولین مدارس غیرانتفاعی را وزیر آموزش و پرورش وقت، تأسیس کردند. وقتی بالاترین مدیران وزارتخانه مدارس خصوصی تأسیس می‌کنند، خواه‌ناخواه به سمت جلب حمایت وزارت از مدارس خودشان می‌روند. طبیعتاً در همین راستا قانون‌هایی تصویب می‌کنند که به سودآوری مدارسشان بیانجامد. قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و الحاقیه‌های آن را ببینید مملو از تعارض منافع است. در ماده ۱۵ قانون مدارس غیردولتی منابع مالی این مدارس را اعم از شهریه (که هیچ عرف و ملاکی هم برای آن مشخص نکرده‌اند)، کمک‌های دریافتی از اولیا، کمک‌های دریافتی از افراد و موسسه‌های خیر، کمک‌های دریافتی از آموزش و پرورش برشمرده است. مجلس تصویب کرده است که مدارس غیرانتفاعی می‌توانند از دولت وام بگیرند. این بند را هم اضافه کرده‌اند که دولت موظف است همه‌ساله یارانه مربوط به تسهیلات بانکی را برای خرید زمین، ساختمان و تعمیرات مدارس غیردولتی در حدود امکانات خود در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی کند. به‌علاوه برای حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شده با مشارکت مؤسسان صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی ایجاد شود و دولت هم موظف است همه‌ساله علاوه بر کمک مذکور، حداقل معادل ۵۰٪ قیمت تمام‌شده سرانه سالانه دانش‌آموزی در بخش دولتی را به ازای کل دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس غیردولتی به این صندوق کمک کند. یعنی هم صندوق برایشان تأسیس کرده است، هم گفته است بودجه بگیرند، هم گفته است زمین‌ها و مدارس را یا بفروشیم یا به مدارس غیردولتی کرایه بدهیم. اما در مقابل آموزش و پرورش به مدیران خیلی از مدارس دولتی گفته است اجازه گرفتن شهریه ندارند. از آن طرف سرانه دانش‌آموزی هم به این مدارس نمی‌دهند. مدارس خیلی کمی هستند که سرانه دانش‌آموزی دریافت می‌کنند. لذا مدرسه دولتی مجبور می‌شود تحت عنوان مشارکت از خانواده‌ها پول دریافت کند. لایحه فروش مدارس و تغییر کاربری مدارس هم موضوعی بود که وزارت آموزش و پرورش به مجلس برد و تصویب شد. مفاد لایحه این بود که مدرسه یا یکی از ادارات آموزش و پرورش به‌منظور کاهش بدهی و تأمین هزینه، بتواند بخشی از فضایش را تغییر کاربری بدهد. تنها مجوزی هم که این کار نیاز دارد، صلاح‌دید رئیس اداره‌ی منطقه است. به نظر من باید اسامی مؤسسين مدارس غیرانتفاعی در دسترس جامعه قرار بگیرد. مثلاً سایتی را اعلام می‌کنند که مدارس غیردولتی با اسامی مؤسسينشان در آنجا ثبت و قابل مشاهده باشد. تنها کسی که می‌تواند اجرایی شدن بخشنامه را پیگیری کند خبرنگارها و صداوسیما هستند.

\* مصاحبه فوق در تاریخ تیرماه ۱۳۹۹ صورت گرفته است که در گزارش کارشناسی «موانع و راهکارهای مدیریت تعارض منافع در آموزش و پرورش در گفت‌وگو با صاحب‌نظران» منتشر شده است.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

## مصادیق تعارض منافع در بورس

وحید واشقانی (کارشناس حقوقی بازار سرمایه) - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰  
◀ تعارض منافع در بازار سرمایه




در بازار سرمایه ناشر بورس، سرمایه گذار و واسط داریم که این واسطه‌ها ارتباط میان سرمایه گذار یا ناشران را با بازار ایجاد می‌کنند. ممکن است در بسیاری از موارد بین آن‌ها تعارض منافع وجود داشته باشد. در مورد تعارض منافع میان سهامدار و ناشران، یک سهامدار را در نظر بگیرید که منفعت او در افزایش قیمت سهم است و از مالکیت و سهامداری آن سهام، بهره مند می‌شود. یعنی سود ناشی از افزایش سرمایه یا سود ناشی از تقسیم سود در مجامع را بدست بیاورد. منفعت بعدی سهامدار در اینجاست که برای مالکیت سهام خود و زمانی که می‌خواهد سهام را به نقد تبدیل کند، کمترین هزینه را بپردازد. منافع سهامدار در هر یک از این موارد با افراد دیگر در تعارض قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، یک سهامدار می‌خواهد سهام خود را بفروشد و یا سهامی را بخرد؛ برای خرید و فروش سهام از خدمات نهادهای واسط در بازار سرمایه استفاده می‌کند. اولین تعارض منافع، تعارض منافع معاملاتی میان سهامدار و کارگزار است. سهامدار می‌خواهد با حداقل کارمزد سهم را بخرد و یا بفروشد، که این تعارض منافع، اجتناب ناپذیر است. این نوع تعارض جایی مشکل زا می‌شود که کارگزار، منافع سهامدار دیگر را که برایش حائز اهمیت است، بر منافع فرد ترجیح دهد. یعنی اولویت‌ها را رعایت نکند. در اینجا کارگزار باید به عنوان وکیل و نماینده سهامدار عمل کند، اما ممکن است مزایا و منافع برای خود در نظر بگیرد و در آن صورت سهامدار دیگر را بر این سهامدار ترجیح دهد. به علاوه، ناشر باید اطلاعات مهم تاثیر گذار بر تصمیم‌گیری سهامدار را طبق مقررات بورسی اعلام کند. زیرا این اطلاعات بر تصمیم‌های بالقوه سهامداران بالقوه شرکت اثر می‌گذارد. اگر مطابق با این اطلاعات که هنوز منتشر نشده، مدیر منافع خودش را بر منافع سهامدار ترجیح بدهد. یعنی قبل از افشای اطلاعات، خود مدیر بر مبنای آن اطلاعات اقدام به معامله کند، تضاد منافع پیش می‌آید. به این موضوع سو استفاده از اطلاعات نهانی گفته می‌شود.  ایران ما (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)

## تضاد منافع مانع مقررات‌زایی و حل مشکل مجوزهاست

علی فیروزی (مدیر مرکز ملی بهبود و پایش محیط کسب‌وکار) - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰  
◀ کلیات تعارض منافع



برای تحقق جهش تولید باید مسئله مجوزها برای همیشه حل شود. راهکار حل شدن مشکل مجوزها خیلی واضح است. منتها چون این راهکار از نوع جراحی است، درد دارد! بله، راهکار مسئله مجوزها نیز همراه با درد است. بالاخره اختیارات آدم‌ها گرفته می‌شود، وقتی اختیارات کاهش می‌یابد، قاعدتاً ساختار و سازمان و بگیر و ببند بوروکراسی و اینها هم جمع می‌شود و افراد بسیاری با این کم شدن اختیارات مشکل دارند. وقتی مدیرکل احساس می‌کند که عملاً با حذف مجوزها، بلااثر شده و بود و نبودش فرقی نمی‌کند، تضاد منافع پیدا می‌کند. به سبب همین تضاد منافع می‌گوید، حذف این مجوز ممکن است امنیت کشور را مختل کند، حذف آن یکی مجوز ممکن است سلامت کشور را به خطر بیندازد و.... اگر از نظام مجوز محور به سمت نظام ثبت‌محوری و اعلام محوری برویم من فکر می‌کنم که فرمایش مقام معظم رهبری در رابطه با شعار سال محقق خواهد شد و سود اصلی را مردم خواهند دید.

 خبرگزاری فارس



## نقش تعارض منافع در تضعیف نظام مالیاتی کشور

محمد فیاض مقدم و عبدالله محبوبیان (کارشناسان اقتصادی، مالیاتی) - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰  
 ◀ تعارض منافع در نظام مالیاتی

**محمد فیاض مقدم:** نظام مالیاتی یک کارکرد مالیات‌ستانی دارد که سازمان امور مالیاتی این کار را انجام می‌دهد، اما کارکرد دیگر نظام مالیاتی، رسیدگی به دعاوی است. نظام مالیاتی باید اختلافات و دعاوی مالیاتی را رسیدگی و حل کند؛ این کار باید به‌گونه‌ای انجام شود که بی‌طرفی داور و تحقق عدالت برای طرفین اختلاف به نحو حداکثری محقق گردد؛ در صورتی که می‌بینیم در وضعیت موجود این کارکرد هم عملاً ذیل سازمان مالیاتی (دستگاه مالیات‌ستان) قرار گرفته و تعارض منافع شکل گرفته است. در واقع اگر مودی از دست سازمان مالیاتی شاکی باشد، عملاً باید به خود سازمان امور مالیاتی شکایت ببرد! این نحوه تخصیص کارکردهای اصلی نظام مالیاتی به بازیگران این نظام باید اصلاح شود. مگر می‌شود از یک دستگاهی شاکی بود و به همان دستگاه شکایت برد و توقع پاسخ‌دهی داشت؟ مودی در این مسیر با رد کردن چاله‌های بسیار و دوندگی‌های فرساینده شاید بتواند در دیوان عدالت اداری به حق خود برسد.

یک نظام مالیاتی باید به حدی قدرتمند باشد که تصمیم بگیرد مثلاً نرخ مالیات بر عملکرد را برای شرایط رکودی کاهش دهد تا فضا برای تنفس بنگاه‌ها باز شود؛ در حالی که ما این کارکرد را در نظام مالیاتی کشور نمی‌بینیم. فراتر از تعارض منافع در رسیدگی به دعاوی، شاهد هستیم که دستگاه مجری، سیاست‌گذاری هم می‌کند. در واقع از منظر ساختاری، بازیگران و سازمان‌های متولی این کارکردها گاهی با هم تعارض منافع دارند، بنابراین نیاز به بازطراحی کارکردی نظام مالیاتی داریم؛ نباید این‌ها را به یک دستگاه ویژه بسپاریم. سیاست‌گذاری مالیاتی را هم نمی‌توان به سازمان مالیات‌ستانی سپرد. در حال حاضر، عملاً سیاست‌گذاری مالیاتی هم‌گر چه در دستان وزارت اقتصاد است، اما به سازمان امور مالیاتی محول شده است؛ بماند که خود وزارت اقتصاد هم چون از محل پاداش یک درصدی وصولی‌های مالیاتی منتفع می‌شود، انگیزه‌های وی برای اصلاح دچار اختلال شده است.

**عبدالله محبوبیان:** یکی از کارکردهای نظام مالیاتی رسیدگی به دعاوی است. این کارکرد هم عملاً ذیل سازمان مالیاتی (دستگاه مالیات‌ستان) قرار گرفته و تعارض منافع شکل گرفته است. مگر می‌شود از یک دستگاهی شاکی بود و به همان دستگاه شکایت برد و توقع پاسخ‌دهی داشت؟ به عنوان مثال اگر درآمدهای مالیاتی مثلاً سالی ۲۰۰ هزار میلیارد تومان باشد یک درصد این عدد ۲ هزار میلیارد تومان می‌شود؛ این پول خارج از شمول تمام قوانین به دست وزارت اقتصاد می‌رسد؛ وزارت اقتصاد حدود ۳۰ درصدش را بر می‌دارد. وقتی وزارت اقتصاد باید ضمن سیاست‌گذاری ناظر بر سازمان امور مالیاتی باشد اما از این جهت منتفع است، عملاً انگیزه وی برای سیاست‌گذاری بهینه و حسن نظارت متاثر می‌شود. این منابع تا از لایه‌های مدیریتی بگذرد و به دست ممیز برسد اثربخشی خودش را از دست می‌دهد در حالی که فلسفه این یک درصد آن بود که ممیز مالیاتی را چشم سیر کنیم تا سالم بماند.

روزنامه آفتاب یزد



## دو خصیصه مسئله تعارض منافع

حسن روانشید (روزنامه‌نگار) - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ کلیات تعارض منافع

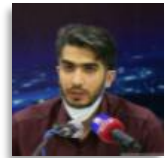
به فعلیت رسیدن مسئله تعارض منافع معمولاً ناشی از دو خصیصه است که اولی مربوط به ویژگی‌های ذاتی جایگاهی است که افراد در آن قرار می‌گیرند و تصمیم‌گیری، تخصیص اعتبار اعطای مجوز، برنامه‌ریزی شده، معاملات دولتی و غیره جایگاه‌هایی هستند که با مرتبط شدن خصیصه دوم به جز برخی از ویژگی‌های شخصی افراد قرارگرفته در آن جایگاه مانند مشاغل همزمان، مالکیت دارایی، شرکت داری یا سهامداری، اشتغال پسا دولتی و ... با قواعد تعیین‌شده ناظر بر آن جایگاه، موجب بروز پدیده تعارض منافع در اشخاص می‌شود. در بعضی موارد اگر بتوانیم شخص دیگری را در موقعیت تصمیم‌گیری قرار دهیم، معضل تعارض منافع از میان خواهد رفت، اما در برخی دیگر از موارد حتی با تعویض افراد نیز مسئله باقی می‌ماند.

اصفهان امروز

## مقابله با تعارض منافع در نظام سلامت خط قرمز دولت سیزدهم باشد

شمالی (کارشناس حوزه سلامت) - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه سلامت



کشورمان در تولید واکسن دارای توان فنی است، اما واقعیت این است که ما برخلاف خیلی از کشورهای دنیا که در تولید واکسن روی چند پلت فرم خاص تمرکز و بهترین تکنولوژی را انتخاب کردند چنین عملکردی نداشتیم و این ناشی از تعارض منافع است که یک بیماری مزمن در کشورمان به شمار می‌رود. تعارض منافع یک بیماری مزمن در حوزه سلامت کشورمان است به هر روی کسی که در بخش خصوصی کاسبی می‌کند نمی‌تواند برای بخش دولتی دل بسوزاند با این وجود تعارض منافع در نظام سلامت باید خط قرمز دولت بعدی باشد.

خبرگزاری دانشجو

## فرستاده ویژه نخست وزیر انگلیس در امور خلیج فارس استعفا داد

(فرستاده ویژه نخست وزیر انگلیس) - ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ نمونه‌های جهانی تعارض منافع



به گزارش برنا، فرستاده ویژه نخست وزیر انگلیس در امور خلیج فارس پس از بالاگرفتن جنجال بر سر نقش لابی‌گری او برای شرکت‌های خصوصی در دولت، از مقام خود کناره‌گیری کرد. این مقام عالی‌رتبه انگلیس حالا به تعارض منافع، دریافت رشوه و اینکه از جایگاهش در دولت برای منافع اقتصادی سوء استفاده کرده، متهم است. لیستر ۵۰ هزار پوند در یک شرکت مهندسی آمریکایی سهم دارد که شعبه انگلیس آن به لطف لابی‌وی موفق به عقد شش قرارداد تجاری با دولت شده است. ارزش این قراردادها نزدیک به یک میلیون پوند برآورد می‌شود.

خبرگزاری برنا

## محتواهای چند رسانه‌ای تعارض منافع

در هفته گذشته، یک برنامه تصویری مرتبط با تعارض منافع در فضای مجازی منتشر شد:

- [تعارض منافع در صنعت خودرو](#) / مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه / [آپارات](#) / ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

مشکلات صنعت خودروسازی کشور سال‌هاست ادامه دارد. ناکارآمدی و عدم توسعه این صنعت چه دلایلی می‌تواند داشته باشد؟ صنعت خودروسازی دولتی است یا خصوصی؟ خصوصی سازی در صنعت خودروسازی به چه چیزی منجر شد؟ صنعت خودروسازی کشور درگیر چه موقعیت‌های تعارض منافی است؟ در این کلیپ کوتاه سعی کردیم تا تعارض منافع در خودروسازی کشور و پیامدهای آن را مختصر شرح دهیم.



## تحلیل فضای مجازی: غوغای تعارض منافع در نظام سلامت و بهداشت واکسن کرونا هم قربانی تعارض منافع است

محمد عادل

در هفته گذشته و طی روزهای پنجشنبه ۲۶م و سهشنبه ۳۱ فروردین ماه، در مجموع ۹۲ مطلب در فضای مجازی پیرامون تعارض منافع منتشر شده است که در این میان کاربران توییتر با انتشار ۷۳ توییت بیشترین مطالب را تولید کرده‌اند. در کانال‌های تلگرامی نیز ۱۸ مطلب به این موضوع پرداخته و تنها یک پست اینستاگرامی در این مورد منتشر شده است.

مانند هفته‌های گذشته کاربران موضوعات مختلفی را مطرح کرده‌اند و بر تعارض منافع در حوزه‌های گوناگون مانند آموزش عمومی، بازار بورس و شوراها شهر دست گذاشته‌اند؛ اما یکی از مطرح‌ترین حوزه‌ها وضعیت تعارض منافع در نظام بهداشت و سلامت ایران بوده است که کاربران موارد مختلفی را گوشزد کرده‌اند. این اظهارات موارد گوناگونی را از ساختار مدیریتی وزارت بهداشت تا وضعیت واکسن کرونا پوشش می‌دهند که با مطرح‌شدن گمانه‌هایی مبنی بر اجازه ورود واکسن توسط بخش خصوصی و فروش آن به مردم شدت یافت. از این رو با توجه به داغ بودن بحث واکسن کرونا و تعدد اظهارات بیان‌شده، در این شماره موضوع اصلی مورد بررسی تعارض منافع در نظام سلامت است.

### از صدر تا ذیل نظام سلامت درگیر تعارض منافع

در هفته گذشته یکی از موضوعاتی که به‌وفور مورد توجه و نقد کاربران در فضای مجازی قرار گرفت وزارت بهداشت و سازوکار نظام سلامت در ایران بوده است. با توجه به وضعیت فعلی بهداشت و سلامت در ایران، کاربران فضای مجازی بر نقاط مختلفی از [تعارض منافع](#) در این نهاد دست گذاشته و نکته‌هایی را درباره این موضوع گوشزد شده‌اند.

برخی کاربران ساختار مدیریتی وزارت بهداشت را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که آنچه بیش از همه سلامت مردم را می‌تواند به خطر اندازد این مسئله است که بسیاری از مسئولین این وزارتخانه را پزشکان که خود یکی از ذی‌نفعان اصلی سیاست‌های این وزارتخانه هستند تشکیل می‌دهند. چنانچه کاربری با نام supreme، به مقایسه‌ای میان ایران و دیگر کشورها دست زده و اذعان می‌کند که در ایران از صدر تا ذیل وزارت بهداشت در تسخیر پزشکان است در حالی که این امر در دیگر کشورها کنترل شده و از واگذاری چنین مناصبی به پزشکان جلوگیری می‌شود:

«بعضی کشورها، یک اقتصاددان یا حقوقدان را وزیر بهداشت می‌کنند تا تخصیص بهینه منابع داشته باشند، مدیریت منابع انسانی داشته باشند و تعارض منافع را برطرف کنند و... کارنامه‌شان هم مشخص است، اینجا اما وزیر و حتی سخنگوی وزارت بهداشت، یک پزشک است که *almost nothing* (تقریباً هیچ چیز) در مورد مدیریت نمی‌داند.»

در همین راستا کاربر دیگری در توییتر حق بر سلامت عمومی نیز با تأکید بر مسئله تعارض و [تضاد منافع](#)، راه حل‌هایی را برای رفع این گونه مشکلات گوشزد می‌کند:

«با رفع تودرتویی نهادی و یکپارچه‌سازی و تجمیع سازمان‌ها و نهادهای موازی و ناکارآمد متولی امور بهداشت و درمان، برخورد با تعارض منافع مدیران و سیاست‌گذاران و پدیده درب‌های گردان، مشارکت و نظارت دموکراتیک بر روندهای تصمیم‌گیری و مدیریتی، افزایش سهم حوزه سلامت از بودجه عمومی کشور.»

اما این مسئله صرفاً محدود به سازوکار مدیریتی این وزارتخانه نبوده و در سطح خرد نیز تعارض منافع گروه‌های مختلف اعم از پزشکان، داروسازان، پرستاران و... نیز مورد توجه قرار گرفته است. کاربرانی که این موارد از تعارض منافع را در سطح خرد گوشزد کرده اند بیش از هر چیز بر تبعات آن تأکید داشته و مثال‌های گوناگونی را در این باره بیان می‌کنند. به‌عنوان نمونه Reshad.kamangar، مصرف بیش از حد آنتی‌بیوتیک در کشور را در کنار سایر عوامل، نتیجه [تعارض منافع شرکت‌های داروسازی](#) و اقدامات آن‌ها می‌داند که به علت تعارض منافع در پی بیشینه کردن سود مالی خود هستند:

«اگر مصرف بیش از حد آنتی‌بیوتیک در این کشور پنج عامل داشته باشد، تجویز پزشکان عامل پنجم هم نیست. مهم‌ترین عاملش پوپولیسیم مصرف‌گرا و تعارض منافع شرکت‌های داروسازی تولیدکننده‌س، کمبود تجهیزات آزمایشگاهی برای کشت موارد علامت‌دار و فروش بدون نسخه و... رو هم اضافه کنید.»

Reza Kashef، نیز در همین راستا بر یکی دیگر از اثرات تعارض منافع دست گذاشته و یکی از تبعات چنین پدیده‌ای را عملی نشدن نسخه الکترونیک می‌داند:

«وزارت بهداشت به دلیل تعارض منافع هرگز تمایل به اجرای درست نسخه الکترونیک و پرونده سلامت الکترونیک ندارد مگر آنکه فشار از بالا باشد.»

کاربری بنام Mohammad، در رشته توییتری به بحث پیرامون تعارض منافع پرداخته و مثال‌های گوناگونی را از سیستم قضایی و آموزشی تا نظام بهداشت عنوان می‌کند. هرچند وی در سخنان خود اشاره‌ای به وضعیت ایران ندارد و بیش از آن که سعی داشته باشد نقدی به نظام بهداشت و سلامت ایران داشته باشد، وضعیت تعارض منافع در این حوزه و تبعات آن را برای شهروندان مشخص کند:

«مشاغل پزشکی به علت اینکه با جان مردم سروکار دارند همواره افرادی هستند که می‌خواهند یا از جان مردم تجارت کنند و یا از قصور پزشکی جان سالم به در ببرند! پزشکان، داروسازان در درجه اول و پرستاران و کادر درمان دیگر در درجه دوم. در این نوع از تعارض منافع پزشکان با قضات، داروسازان، صاحبان آزمایشگاه‌ها، داروخانه‌ها و دیگران زدوبند می‌کنند و تعارض منافع بسیار خطرناکی را به وجود می‌آورند! در این حالت کارتل‌های داروسازی، داروهای خود را به داروخانه‌ها می‌فروشند و پزشکان با همکاری داروسازان داروهای خود را بر روی بیماران امتحان

می کنند و در صورت فوت بیماران چون داروسازان با قنات روابط نزدیکی دارند و به آن‌ها رشوه داده اند! شکایت از پزشک مربوطه رد می شود و علت فوت را چیز دیگری همچون بیماری زمینه‌ای و یا مسائل دیگر عنوان می کنند تا پزشک را تبرئه کنند.»

### واکسن کرونا؛ در گیرودار تعارض منافع

اما فارغ از موارد ذکر شده، یکی از مسائلی که بیشترین توجهات را در حوزه بهداشت و سلامت به خود جلب کرده است، مسئله واکسن کرونا بوده است. در مورد واکسن کرونا، اتفاقات زیادی رخ داده است که وضعیت آتی واکسیناسیون را برای مردم دچار ابهام کرده است. در این میان آمار دقیقی از تعداد واکسن‌های وارداتی در دست نیست و مقامات مختلف آمار گوناگونی ارائه می دهند. علاوه بر آن وضعیت واکسن‌های تزریق شده نیز نامعلوم بوده و اخباری مبنی بر دریافت واکسن توسط افرادی به غیر از گروه‌های در اولویت مطرح شده است. تمامی این موارد باعث شده است که کاربران به بحث پیرامون این موضوع و چرایی ناکارآمدی‌های ایجاد شده بپردازند.

کاربران با دیدگاه‌های سیاسی متفاوت به انحاء مختلف به بحث از تعارض منافع در واردات یا ساخت واکسن کرونا در داخل اشاره کرده اند. برخی دولت را در این میان مقصر شناخته اند که از این مسئله در راستای بهره‌برداری برای مقاصد دیگر استفاده می کند چنانچه Reshad.kamangar این امر را به علت خرید زمان و کسب موفقیت در مذاکرات هسته‌ای می داند:

🐦 «از تعارض منافع گروه‌های مختلف خبر داشتیم در مورد واکسن، آخه مگه قصدی برای خرید داشتن؟ هدفشون طول دادن کرونا و انجام توافق بود دیگه.»

هرچند این کاربر مشخص نمی کند که تشدید وضعیت کرونا در کشور چگونه می تواند دست بالا را در مذاکرات برای دولت به همراه داشته باشد اما می توان ریشه این اظهارات را در این نوع نگاه دانست که معتقد است دولت در پی آن است با ایجاد ارتباط میان وضعیت وخیم کرونا در کشور و تحریم‌های آمریکا، سایر طرف‌های مذاکره را کمی بیش‌تر نسبت به رفع تحریم‌ها همراه کند. این نگاه خواه درست باشد و خواه غلط، نشان می دهد که سطح اعتماد عمومی به دولت در چه وضعیتی قرار دارد و برخی گمان می کنند ممکن است مردم قربانی دنیای سیاست شوند. البته پرواضح است که نمی توان با چند توییت چنین نتیجه‌گیری کلانی را به دست آورد اما مشخص است که مسائل سیاسی و به-خصوص تحریم تا چه حد می تواند بر ذهنیت مردم تأثیر گذاشته و بسیاری از اقدامات را نه ناشی از حسن نیت دولت که به علت مواردی دیگر بدانند.

در بین کاربران این فقط دولت نیست که به تعارض منافع در زمینه ورود واکسن کرونا متهم شده است. در این بین بسیاری دیگر از کاربران شرکت‌های داروسازی داخلی را عاملی می دانند که به علت تعارض منافع در فرایند واردات واکسن اختلال ایجاد می کنند. این کاربران عقیده دارند که شرکت‌های داروسازی داخلی فرصتی را در اختیار خود می بینند

که می‌توانند به مدد آن سود هنگفتی را از آن خود کنند. در ادامه چند توییت از کاربران مختلف با همین نوع نگاه آورده شده است:

«همه‌چیز در سود و منافع سرشار شرکت‌های داروسازی داخلی نهفته. اگر مدیران بخش بهداشت در این سود تعارض منافع نداشتند، مثل همه جای دنیا ایران هم از دسامبر ۲۰۲۰ در نوبت خرید واکسن معتبر قرار می‌گرفت و از ابتدای مارس ۲۰۲۱ واکسیناسیون آغاز می‌شد.»

«طرف داروسازیه معلومه یه طرف قضیه‌ست خودش... کاملاً با واردات واکسن تضاد منافع داره.»

«عا باریکلا!!!! واکسن خارجی رو هم پس مرجع داخلی باید تأیید کنه!!!! و خب طبیعتاً به خاطر تضاد منافع تأیید نمی‌کنه یا محدود تأیید می‌کنه تا بتونه مثل همه بخش‌های وزارت پزشکان انحصار بسازه و از این نمدهم برای جیب خودش یه کلاهی بتراشه. همه شما پزشکان باید #خجالت\_یکشید.»

برخی دیگر از کاربران نیز تیغ انتقاد را متوجه ستاد ملی مبارزه با کرونا کرده و افرادی را که در این ستاد عضویت دارند مقصر اصلی می‌دانند. ابوالفوارس با مخاطب قرار دادن جهان‌پور، معاون وزیر بهداشت، در این باره می‌گوید:

«آقای دکتر جهان‌پور، سلام. منطق نکات آقای روحانی قابل درکه. اما سؤال: ۱. اولویت سند ملی واکسیناسیون با چیه؟ ایمن کردن حداکثری مردم؟ یا ارضاء نظرات اطباء؟ ۲. آیا نمی‌شد شفاف‌سازی بشه درباره چرایی ارجح بودن واکسن بر نوعش؟ ۳. آیا نمی‌شد تضاد منافع امثال محرز رو با واردات به مردم گفت؟»

هرچند مشخص نیست به چه علت فردی خاص در این ستاد زیر تیغ انتقاد قرار می‌گیرد اما این نکته نشان می‌دهد که ستادی که قرار است در مورد سیاست‌های مربوطه تصمیم‌گیری کرده و مرجع راهنمایی مردم برای مقابله با کرونا باشد به چنان وضعیتی گرفتار شده است که نه تنها اعتماد مردم را به خود جلب نکرده است که اساساً اعضای آن مقصر اصلی وضعیت موجود هستند آن‌هم نه به علت اشتباه یا ناکارآمدی که تعمداً و به علت تعارض منافع. پیش‌ازاین گفته شد که نمی‌توان به استناد چند پیام در فضای مجازی نتیجه‌گیری کلی کرد اما در چنین وضعیتی این اظهارات پراکنده نشان می‌دهد که تا چه حد نهادهای مسئول توانسته‌اند مردم را با خود همراه کنند.

اما در کنار موارد بحث شده، یکی دیگر از موضوعات بحث‌برانگیز، بحث [واگذاری خرید واکسن به بخش خصوصی](#) و فروش آن به کسانی است که حاضرند نه به رایگان که با پرداخت مبلغی آن را تهیه کرده و خارج از نوبت معلوم‌شده طبق سند ملی واکسیناسیون تزریق کنند.

کاربری به نام مهدی طاهری در رشته توییتی دخیل شدن بخش خصوصی با سردمداری اتاق‌های بازرگانی در واردات واکسن را چیزی جز نشانی از ناتوانی دولت نمی‌داند که در ادامه تعارض منافع نیز به آن اضافه شده و وضعیت را پیچیده‌تر و وخیم‌تر می‌سازد:



«در دولتی که شعارش سیاست خارجی است، تلاش چندماهه برای واردات واکسن را طوری انجام می دهند که می شود وضعیت فعلی: واردات کمتر از ۲ میلیون دوز در ۳ ماه. بعد از این شکست مذبوحانه چاره کار را شرکت های خصوصی معرفی می کنند؛ یعنی دولت اساساً ناتوان است و چاره در اتاق های بازرگانی است. تعارض منافع هم کاتالیزور این ماجرای کثیف است.»

همان طور که این کاربر اشاره داشت ناتوانی دولت در امور مربوطه منجر به آن می شود که تعارض منافع مدیران تقویت شده و اقداماتی ذیل سیاست های کلان انجام شود که اساساً با نیازهای شهروندان در تضاد هستند. آنچه می توان در پایان گفت این است که در نظر بخشی از جامعه، نهادهایی که باید در چنین موقعیت وخیمی بیشترین اعتماد عمومی را از آن خود کرده باشند، در وضعیتی بحرانی قرار دارند. فارغ از این که این حس بی اعتمادی به درستی در میان مردم شکل گرفته باشد یا خیر، می توان فهمید که چرا بسیاری از مردم به تذکرات نهادهایی مانند ستاد ملی مبارزه با کرونا توجه نمی کنند چنانچه در شدت مسافرت های نوروزی می توان نتایج آن را مشاهده کرد.



### خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۱

شماره چهل و یکم - ۲۸ فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

دبیر خبرنامه: سمانه سهرابی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

شماره واتساپ خبرنامه: ۰۹۰۲۰۴۳۲۹۹۵

